«شرق» عوامل ریزش ۶۰ درصد مزدبگیران به زیر خط فقر را در گفت‌وگو با ابراهیم رزاقی ریشه‌یابی کرد

شغل‌هایی که نیامده سوخت

دلال‌ها از ۴۰۰ هزار نفر بعد از انقلاب به ۵ میلیون نفر رسیدند

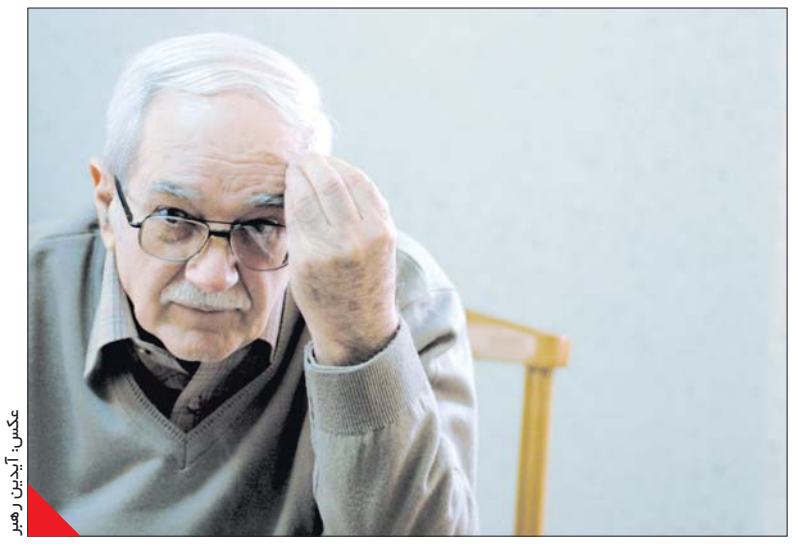

عکس: آیدین رهبر

ارمغـان جوادنیا: ۶۰ درصد مزدبگیـران زیر خط فقر هسـتند؛ این آماری اسـت که ابراهیم رزاقی، استاد بازنشسته اقتصاد دانشگاه تهران، بر اساس جدیدترین تحلیل‌های صورت‌گرفته در گفت‌وگو با «شرق» مطرح می‌کند. او که سال‌ها اقتصاد تدریس کرده و کتاب‌های زیادی تألیف کرده، به سیاست‌های نادرست دولت‌ها در زمینه اشتغال اشـاره می‌کند و توضیح می‌دهد: از ۲۸ سال گذشته تاکنون، حدود هزارو ۵۰۰ میلیارد دلار واردات کالا و خدمات داشتیم. درحالی‌که می‌توانستیم ۷۵ یا ۱۵۰ میلیون شـغل ایجاد کنیم، فقط ۱۱ میلیون شـغل ایجاد کرده‌ایم؛ یعنی این سرمایه عظیم ربطی به تولید نداشـته اسـت. او تأکید می‌کنـد: هم‌اکنون ۶۶ میلیون نفر در ایران که ۱۰ سـال به بالا هستند، در سـن کارند. از این ۶۶ میلیون نفـر، ۲۲ میلیون نفر کار می‌کنند؛ یعنی ۴۴ میلیون نفر در سـن کار هستند، اما کار نمی‌کنند. دولـت می‌گوید برای سـه میلیون نفر شغل ایجاد کرده است که با واقعیت همخوانی ندارد. به گفته او، در چهار سـال اول فعالیت دولت روحانی ۲۶۰ میلیارد دلار کالا و خدمات وارد شده است که اگر طبق ضابطه پیش می‌رفت، باید بین ۱۳ تا ۲۶ میلیون نفر شـغل ایجاد می‌شد؛ اما هیچ شـغلی ایجاد نشده است. اگر شغلی هم ایجاد شده است، با ورشکستگی کارخانه‌ها و صنایع بی‌کاری ایجاد شـده و آن تعداد شغلی را هم که ایجاد شده بود، خنثی کرد. بنابراین اگر در این چهار سال بی‌کاری، افزایش نیافته باشد، ثابت مانده است.

تاکنـون آمارهای متفاوتی از خط فقر در ایران ارائه شده است؛ از نظر شما خط فقر چقدر است؟

معمولا خط فقر باید از سـوی دولت‌ها محاسـبه شـود؛ درحالی‌که این اتفاق نمی‌افتد، اما اتحادیه‌های کارگـری خط فقـر را سـه‌میلیون‌و ۲۰۰ هـزار تومان محاسـبه کرده‌اند. مـزد حداقلی که حساب‌شـده و مؤسسـات دولتی تصمیم گرفته‌اند، ۹۲۰ هزار تومان است، اما معلوم نیست تعداد زیادی از کسانی که کار می‌کنند، همین ۹۲۰ هـزار تومان را هم دریافت کنند؛ مگر اینکه سـاعات زیادی کار کنند یـا دو بار کار کنند و اضافه‌کاری‌هـای متعددی انجام دهند که خود این موارد نیز ابهام ایجاد می‌کند.

در این سال‌ها چه متغیرهایی بر تغییر خط فقر نقش داشته اشت؟

یکی از عوامل مؤثر در فقیرسـازی، تورم اسـت. از طرف دیگر، مزد را متناسـب با تورم بالانبردن اسـت؛ یعنی تورم وجود دارد و درسـت حسـاب شده است؛ درحالی‌که در ایران و حتی در کشـورهای دیگر هم به درستی محاسبه نمی‌شود، اما اتحادیه‌های کارگری با توجه به الگوی مصرف کارگران و چانه‌زنی به گونه‌ای آن را بالا می‌برند که حداقل‌ها وجود داشـته باشـد. البته عوامل دیگری هم وجود دارد.

مثلا چه عواملی؟

مثلا ایجاد شـغل غیر از مزد و حقـوق که هرچه بی‌کاری بیشتر باشـد، فقر نیز بیشتر خواهد بود. نکته دیگر اینکه وقتی بی‌کاری زیاد می‌شود؛ یعنی اشکالی در کار تولید وجود دارد که بـی‌کاری افزایش می‌یابد یا بی‌کاران به کار دعوت نمی‌شـوند. یا بدترین حالتی که در این چندسـاله ایجاد شده، این است که شاغلان شغل خود را از دسـت می‌دهند، ضمن اینکه عده‌ای دومرتبه شـغل پیدا می‌کنند و به کسـانی می‌پیوندند که بی‌کارنـد. چیزی کـه آن را تشـدید می‌کند، نبود بیمه اسـت؛ یعنی وقتی بیمه نیست، کسی که بی‌کار می‌شـود کاملا درمانده اسـت. اوج فشـار به کسـی اسـت که بیمه نشده اسـت. مبلغی هم که به عنوان بی‌کاری داده می‌شـود، تکافوی زندگی را نمی‌کند که ایـن موضوع نیز دلایل خود را دارد؛ اینکه چرا شـغل ایجاد نمی‌شود، چرا بیمه‌ها متناسب با شرایط زندگی، هزینه‌هـای بـی‌کاری را پرداخت نمی‌کننـد. اگر یک نمونه را با شـاغلان بازنشسـته دولتی مقایسه کنیم، مشاهده می‌کنیم بیشتر بازنشسته‌ها قدرت خریدشان را از دسـت می‌دهنـد. بعد از هفت تا هشـت سـال معمولا یک‌دوم، یک‌سـوم و بعضی وقت‌ها اگر زمان بیشتر شـود، یک‌چهارم هم‌ردیفان خود که شاغل‌اند حقوق بازنشسـتگی دریافت می‌کننـد. اینها عواملی است که فقر را گسترش می‌دهد.

برخـی معتقدند واردات نیز یکـی از عواملی است که بر تغییر خط فقر تأثیر داشته است.

واردات نیـز یـک عامـل فقرزایی اسـت؛ آن هم وارداتـی کـه به آن یارانـه داده شـود و دلاری که با آن واردات می‌کننـد. چـون اگـر کالای معینی را در داخـل تولیـد کنیم یا مـواد، قطعات و ماشـین‌آلات را از خـارج بیاوریم و در داخل تولید کنیم، سـودمان پنج برابر می‌شـود؛ یعنی اگر مونتاژ کنیـم، پنج برابر سـودی داریم که در تولید داخلی به دسـت می‌آید. بنابرایـن حتـی تولیدکننده تشـویق می‌شـود کالا از خـارج وارد کند چه برسـد به کالاهـای مصرفی که جای خود دارد. در نتیجه تولیدکنندگان و کشـاورزان کوچـک و بزرگ را مورد هدف قرار می‌دهد و به‌تدریج ورشکسـته می‌شوند و ضرر می‌کنند و روستاها هم به شـهرها مهاجرت می‌کنند. در شهرها هم کار نیست. تولیدکنندگان هم شـکل‌های مختلف به‌ویژه اگر وام گرفته باشند که معمولا وام دارند، بدهکارند. آن وقت باید وام‌هایی را که سـود ندارند، پس دهند. در نتیجه به صورت آدم‌هایـی درمی‌آیند که کاملا درمانده‌اند و فقر شدید دارند و در این شرایط باید هرچه دارند مثل ماشین و خانه را بفروشند و فقیرتر شوند.

چه زمانی‌هایی فقر بیشتر می‌شود؟

به‌تدریـج؛ به‌خصـوص وقتی تورم وجود داشـته باشـد و مزد و حقوق متناسـب با تورم بـالا نرود. بر اسـاس محاسـبه انجام‌شـده حدود ۶۰ درصد مزد و حقوق‌بگیـران زیـر خـط فقر هسـتند. تـازه اینها حقوق‌بگیرنـد و کار می‌کننـد، بمانـد آنهـا کـه کار نمی‌کنند. بازنشسته‌ها هم همین‌طور. قریب به اتفاق آنها تازه بازنشسته شده‌اند و هنوز اثری که به آن اشاره شـد، پدید نیامده است. هر سـال درجه مزد و حقوق شاغلان را بیشتر از بازنشسته‌ها بالا می‌برند. این سبب می‌شـود بازنشسـته‌ها به‌تدریج قدرت خریدشان را از دسـت بدهند. این در حالی اسـت که وقتی سن بالا می‌رود، هزینه‌هـا نیز بالا می‌رود و بـه انواع بیماری مبتلا می‌شـوند. خدماتی که بیمه‌ها می‌گیرند به فقر بازنشسـته‌ها کمک می‌کنـد. حق‌بیمـه بیمه‌گذار را بـالا می‌برند و خدمات بیمه را کـم می‌کنند. تنها یک نمونـه که در تحقیقات هم آمده، نشـان می‌دهد ۸۰ درصد کسـانی که احتیاج به خدمات دندان‌پزشـکی دارند، نمی‌توانند از آن اسـتفاد کنند؛ چون خصوصی هسـتند و دولتی‌ها هـم بنا به دلایلـی خدمات لازم را نمی‌دهنـد. از ایـن نمونه‌ها زیاد اسـت. حالا فقرا و ثروتمنـدان را در نظر بگیرید. سـبد مصرفی اینها با هم متفاوت اسـت. مثلا هزینه خـوراک برای طبقات بالای جامعه حـدود پنج درصد اسـت، اما بـرای طبقـات پایین ۳۰ تا ۳۵ درصد اسـت. بنابراین وقتی قیمت خوراک بالا می‌رود، فشـاری که به طبقات پایین وارد می‌شود زیاد است. حال اگر فرد مسـتأجر هم باشـد، وضع بدتر می‌شود. آنکه خانه دارد، هزینه خانه اصلا محسـوس نیسـت؛ چون اجاره‌خانـه نمی‌دهد مگر اینکه قسـط دهد. ولی کسی که مستأجر است، این اجاره هر سال خـارج از ضوابط بـالا می‌رود و کنترل هم نمی‌شـود. در نتیجه آنکـه اجاره می‌دهد، ۳۰، ۴۰ و حتـی ۵۰ درصـد درآمـد را مـزد و حقوق می‌دهد. این مسائل موجب می‌شود کالاهای اساسی را حذف کند. مثلا برای تناسـب دخل و خرج، مجبور است مصرف گوشت، شیر و تخم‌مرغ را کم کند. در این میان قیمت نان را بالا می‌برند. نان هم خریداری نکنند دیگـر چه باید مصرف کنند. در نتیجه به بیماری مبتلا می‌شـوند. هزینه‌های بیماری را از کجا بیاورند. این در حالی اسـت که سیاست‌های سرمایه‌ای به نام تعدیل که پیاده شد گفته شـد این سیاست‌ها در مرحله اول عده‌ای را فقیر می‌کند اما در بلندمدت همه را ثروتمند می‌کند. این از آن حرف‌هایی اسـت که آدام اسـمیت مانندی می‌زد. بله می‌شـود اما یک شرط دارد. وقتی کارگر را فقیر می‌کنید، سـود سرمایه‌دار بیشتر می‌شود و باید بیشـتر تولید کند. اشتغال هم زیاد می‌شود. این سیاسـت تا جنگ دوم بین‌المللی در اروپا اجرا می‌شد و بنیان‌گـذاران آن ژاپـن و آلمـان بود؛ حتـی آمریکا هم این سیاسـت را انجام نداد اما فرانسه و انگلیس مجبـور بودند. امـا بعد از آن جنگ، سیاسـت دولت رفاه ایجاد شـد. چـون در برابر الگوی کمونیسـت‌ها قرار گرفتند و کارگران می‌پیوستند به آنها. برای همین هم سیاسـت‌های رفاهی اجرا کردند. در این شـرایط سـطح زندگی بالا رفت و بیمه‌های بی‌کاری و درمانی افزایـش یافت. آنچه برای سـرمایه‌داری مطبوع بود، دوره‌ای است که آدام اسـمیت می‌گوید؛ دوره‌ای که کارگران هفت سال در کارخانه به مدت ۱۸ ساعت کار می‌کردند و می‌مردند. مزدی هم به آنها داده نمی‌شد تا بتوانند تغذیه مناسـبی داشته باشند. اکثر گزارش‌ها حاکی از آن بود که با آب و سیب‌زمینی و روغن زندگی می‌کردند. بعد از مبارزات کارگری اما ساعات کاری کم شـد برای همین هم کسی مثل مارکس به وجود آمد و دوقطبی شد. اما مبانی مادی‌گرایی بود. این سیاست وقتـی در ایـران پیاده شـد، اتفاق دیگری بـه دنبال داشـت. واردات با دلار ارزان و تکیه روی پتروشـیمی و نفت. درحالی‌که می‌توانسـت این‌طور نباشد. اکنون هـم می‌تواند کاملا دگرگون شـود. زمان‌هایی هم که درآمد نفت و واردات بالا می‌رود به تولید خدشه وارد می‌شـود. مثل دوره احمدی‌نژاد که واردات به‌شدت بالا می‌رفت و در برخی سال‌ها واردات کالا و خدمات به بیش از صد میلیارد دلار رسـید. این در حالی است که دلار ارزان نیز که معمولا در تمام دوران ارزان بوده، به تولید آسـیب می‌زند. البته بعد از سال ۴۸ که تورم ایجاد می‌شـود، دلار را ثابت نگـه می‌دارند، واردات صرفه پیـدا می‌کند و همه چیز به نفـع واردکننده‌ها تغییـر می‌کنـد و واردات ایـران در سـال ۵۷ به ۱۴ میلیارد دلار می‌رسـد؛ در حالی که صادرات غیرنفتی ۵۰۰ میلیون دلار بوده اسـت. تا سـال ۴۸ اما این‌طور نبود. حتی دوره مصدق کشور دوسال‌ونیم بدون نفت اداره شـد. مازاد ارزی داشـتیم چون تحریم بودیم و نفتی برای صادرات نداشتیم. اما طوری اقتصاد کشور اداره شد که صادرات بیش از واردات شد.

از توضیحـات شـما این‌طـور برمی‌آیـد که سرمایه‌داری نادرستی که در ایران پیاده شده چنین وضعیتی را ایجاد کرده؟ درست است؟

سـرمایه‌داری کـه در ایران پیاده شـده، وابسـته است و بدترین نوع سـرمایه‌داری است چون تولیدگر نیست و وارداتی اسـت. این نوع سرمایه‌داری مکمل سـرمایه‌داری کشـورهای صنعتی اسـت کـه مواد خام می‌خواهند و کالا می‌خواهند بفروشـند. کشـور ما این‌طور اسـت. بنابرایـن طبیعی اسـت در چنین مدل‌هایی فقر رشـد کند. چون دولت‌ها فکر می‌کنند وقتی فرد فقیر شـد، سرگرم فقر می‌شود. غربی‌ها هم همین‌طور فکـر می‌کنند مگر تشـکیلاتی در کارگران باشد که از خود دفاع کنند.

سرمایه‌داری که در ایران پیاده شده، وابسته است و بدترین نوع سرمایه‌داری است چون تولیدگر نیست و وارداتی است. این نوع سرمایه‌داری مکمل سرمایه‌داری کشورهای صنعتی است که مواد خام می‌خواهند و کالا می‌خواهند بفروشند. کشور ما این‌طور است. بنابراین طبیعی است در چنین مدل‌هایی فقر رشد کند

اما این تشـکیلات در ایران نیسـت و اگر هم باشـد چندان مؤثر نیست؟

ایـران بـه دلایـل مختلفی تشـکل کارگـری نـدارد. حتی وزارت کار ایـن مسـائل برایش مطرح نیسـت. به نظر می‌رسـد با خلأ قدرت نیـروی کار روبه‌رو هسـتیم. ۲۴ میلیـون نفـر کار می‌کنند و چند میلیون بازنشسته هسـتند. این افراد نیـز به تدریج قدرت خرید را از دست می‌دهند و با مشـکلاتی مانند فقر روبه‌رو می‌شوند. البته عکس این هم می‌تواند باشد اما نیست چون کشـوری هستیم که از ۲۸ سـال گذشته تاکنون حدود هزارو ۵۰۰ میلیـارد دلار واردات کالا و خدمات داشتیم. می‌توانسـتیم ۱۵۰ یا ۷۵ میلیون شغل ایجاد کنیم اما فقط ۱۱ میلیون شغل ایجاد کردیم. یعنی این سرمایه عظیم ربطی به تولید نداشته است. هم‌اکنون ۶۶ میلیون نفر در ایران که ۱۰ سـال به بالا هستند، در سـن کارند. از این ۶۶ میلیون نفـر ۲۲ میلیون نفر کار می‌کنند. یعنی ۴۴ میلیون نفر در سـن کار هستند اما کار نمی‌کننـد. دولت می‌گوید برای سـه میلیون نفر شـغل ایجاد کرده اسـت که با واقعیـت همخوانی ندارد. قبل از واردشـدن بـه این نوع سـرمایه‌داری، ۵۱درصد مردم ایـران کار می‌کردند؛ یعنی اکنون باید نزدیـک ۴۰ میلیون ایرانـی کار می‌کردنـد اما آماری کـه داریـم ۲۲ میلیون نفـر اسـت و ۱۶ میلیون نفر بی‌کارند. کسـانی که به دفاتر کاریابی مراجعه نکرده یـا آن‌قدر رفته‌اند که خسـته شـده‌اند، در آن یک ماه سرشـماری، به آنها بـی‌کار نمی‌گویند بلکـه به آنها غیرفعال فعال می‌گویند. وقتی فضا این‌گونه شـد فقر افزایـش می‌یابد. به‌خصوص اینکـه ثروتی عظیم در ایـران وجود دارد. در چهار سـال اول فعالیت دولت روحانـی ۲۶۰ میلیارد دلار کالا و خدمات وارد شـده اسـت. اگر طبق ضابطه پیش می‌رفـت بین ۱۳ تا ۲۶ میلیون نفر شـغل باید ایجاد می‌شـد اما هیچ شغلی ایجاد نشده اسـت. اگر شغلی هم ایجاد شده است با ورشکستگی کارخانه‌ها و صنایع بی‌کاری ایجاد شده و آن تعداد شغلی را هم که ایجاد شده بود، خنثی کرد. اگر بی‌کاری افزایش نیافته باشـد، در این چهار سـال ثابت مانده است.

توزیع یارانـه نقدی چقدر بر فقـر و نابرابری اجتماعی مؤثر بوده است؟

اولین نکته این اسـت که چـرا باید یارانه پرداخت کنیم؟ شـأن انسـانی این است؟ یعنی شـرایط را به گونه‌ای برسـانیم که کسـی احتیاج به یارانه داشـته باشـد؟ آقای روحانی هم چند بار این را مطرح کردند. نکته مهم در شـأن انسانی این اسـت که کار با مزد و حقوق باشـد. زندگی اشـرافی مدنظر نیست. زندگی حداقلی که دچار سـتم‌دیدگی نباشد. وقتی بی‌کاری و فقر به این شدت اسـت ناچاریم یارانه پرداخت کنیم. توزیع یارانه در ابتدا کمـک زیادی به فقرا کرد اما ۴۵ هزار تومان فعلی چقدر ارزش دارد؟ ۱۲ هزار تومان؟ یا ۱۵ هزار تومان؟ یارانه برای فقرا و بی‌کاران است. اما دولت برای اینکه طبقه پولدار شـناخته نشوند، افراد را به طور دقیق محاسـبه نکرده اسـت. این در حالی است که ابزارهای الکترونیک به‌راحتی می‌تواند بگوید چه کسی خانه دارد و چه کسی ندارد. آن خانه چقدر ارزش دارد. چه کسی مسافرت خارجی رفته و چند تا ویلا و ماشـین دارد. همه اینها را می‌توان برای گرفتن مالیات حساب کرد.

خب چه دلیلی دارد که همچنان یارانه پرداخت می‌شود و شناسایی ثروتمندان برای حذف یارانه از سوی دولت مرتبا به تعویق می‌افتد؟

وقتی محاسـبه کنند چه کسـی نباید یارانه بگیرد، امکان شناسایی کسانی به وجود می‌آید که باید مالیات دهند. از طرف دیگر حجم یارانه‌ها زیاد می‌شود. اکنون به ۷۰ میلیون نفـر یارانه می‌دهند، درحالی‌که باید به ۳۰ میلیون نفر یارانه پرداخت کنند و رقم بیشـتری به فقرا بدهند. در کشـور ما و همه کشـورهای صنعتی، دولت‌ها هزینه خود را با مالیات می‌چرخانند. مالیات، هم برای کسب درآمد و هزینه‌های دولت است و هم بـرای هدایت سـرمایه‌ها. درآمدهایی که از مشـاغل غیرتولیدی حاصل می‌شود، به دلیل زیان‌آوربودن این مشـاغل برای تولید، اگر سود زیاد باشد؛ مثل کشور ما تولیدکنندگان به دلالی گرایش پیدا می‌کنند. واسطه‌ها بعـد از انقلاب ۴۰۰هزار نفر بودنـد، الان حدود چهار تا پنج میلیـون نفرند. عده زیادی هـم مغازه ندارند، اما کار واسـطه‌گری می‌کنند. حال اگـر مالیات گرفته شود، سود مشاغل پایین می‌آید؛ مثلا واردکنندگانی که سودشـان ۳۰۰، ۴۰۰ درصد است، وقتی مالیات از آنها گرفته شـود سودشان کم می‌شـود. کسی که صاحب سرمایه اسـت آن را وارد تولید می‌کند. اکنون هم وام بانکـی عموما به تولید داده نمی‌شـود، مگر به افراد خاص که وارد فسـاد می‌شـوند. وقتی فضا این‌گونه شـد و حمایـت از تولید قطع شـد، این وضـع ایجاد می‌شود. در کشورهای سـرمایه‌داری مالیات به تولید یارانه داده می‌شود یا از ورود کالای خارجی که بخش صنعت را ورشکسـت کند جلوگیری می‌کنند و صنایع را نجـات می‌دهند. یارانه به این دلیل که متناسـب با تـورم بالا نرفته، دیگـر نمی‌تواند حداقل‌هـا را تأمین کند. بنابراین فقیرسـازی در شـرایطی که درآمد نفت داریم، به‌راحتی کالا وارد می‌کنیم و مالیات نمی‌گیریم عادی است.

ادامه در صفحه ۱۹

رویداد

جزئیات فاینانس ۷۲۰ میلیون یورویی تولید واگن

● مدیرعامـل شـرکت صنایـع ریلـی ایرانیان با بیان اینکـه دو خط تولید ریل‌بـاس و مترو در این شرکت واگن‌سـاز فعال اسـت، گفت: از فاینانس ۷۲۰میلیون‌یورویی سـاخت ۴۵۰ واگـن ریل‌باس، طبـق قوانیـن ۲۳ درصد قرارداد و رقـم فاینانس در کشـور فاینانس‌گیرنـده می‌تواند جذب شـود. ناصـر صوفـی در گفت‌وگو با فارس، با اشـاره به مشـارکت تولیدکننده داخلـی واگـن (ایریکو) با شـرکت هیوندایی روتم کره جنوبی برای سـاخت ۴۵۰ دسـتگاه واگـن ریل‌بـاس در قالـب ۱۵۰ رام قطـار اظهار کرد: دولت کـره در تفاهمی با دولت ایران، فاینانس سـاخت واگن‌های ریل‌باس را برای شـرکت راه‌آهن ایران تأمین کرد. وی با اشـاره به اینکـه رقم فاینانس کره برای سـاخت این واگن‌ها ۷۲۰ میلیون یورو اسـت، افزود: راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران، این رقم فاینانس را دریافت می‌کند، خرید واگن‌ها از سـوی دولت و برای دولت انجام می‌شود. مدیرعامل شـرکت صنایع ریلی ایرانیان ادامـه داد: از ایـن ۷۲۰ میلیـون یورو تسـهیلاتی که بابت سـاخت این ۴۵۰ دسـتگاه واگن پرداخت می‌شـود، باید رقمی بابت سـاخت واگن در همان کشور کره هزینه شـود و این طبق قوانین فاینانس اسـت؛ البته کشور کره تولیدکننده و فروشنده همه اقلام موردنیاز واگن‌ها نیست؛ مثلا موتور و سیستم ترمز این ریل‌باس‌ها از آلمان تأمین می‌شود و اینها مواردی نیسـت که در کره استفاده شود. صوفی با بیان اینکه طبق قوانین فاینانـس، فاینانس‌گیرنده سـهمیه‌ای دارد، گفت: ما این سـهمیه را به‌طور کامل اسـتفاده می‌کنیم، طبـق قوانین ۲۳ درصد قـرارداد و رقم فاینانس در کشـور فاینانس‌گیرنده می‌تواند جذب شـود، ضمن آنکـه ۷۷ درصد این موضوع نیز در کشور کره انجام می‌شود. وی اظهار کرد: مطابق با قرارداد سـه‌جانبه شـرکت راه‌آهن، ایریکو و هیوندایی روتم کشـور کره، شرکت کره‌ای بخشی از تولید قطعاتش را مطابق با قرارداد به ما واگذار می‌کند.

انتشار اوراق بدهی در بازار سرمایه به ۳۵ هزار میلیارد تومان رسید

● رئیس سـازمان بورس با بیان آمارهایی از حجم اوراق منتشرشـده در دو سـال اخیر، گفت: از سال ۱۳۹۴ حـدود پنج هزار میلیارد تومـان ورقه بهادار در بازار سـرمایه منتشر شـده و این در حالی است که در سـال ۱۳۹۵ این حجم به ۳۵ هـزار میلیارد تومان رسـیده اسـت. در سـال ۹۶ نیـز پیش‌بینی می‌شود انتشـار اوراق دولتی براساس بحث بودجه کشـور به ۳۴هزارو ۵۰۰ میلیارد تومان بالغ شـود. درعین‌حـال آن دسـته از ابزارهـای مالی که پیش از ایـن در بازار سـرمایه پذیرش نشـده بود و باعث ایجاد نابسـامانی‌هایی در فضای پولی و مالی کشور شـده‌اند، به‌تدریج در بازار سرمایه پذیرش می‌شود. شـاپور محمدی در همایش انجمن مالی اسـلامی بـا بیان اینکه اطـلاق اوراق با درآمـد ثابت عبارت مناسبی برای این ابزارها نیست، گفت: انتظار می‌رود حجـم انتشـار این اوراق در بازار سـرمایه امسـال نزدیـک ۷۰ هزار میلیارد تومان قابل افزایش باشـد که بـا توجه به قیمـت ارز می‌تواند رقم مناسـبی برای سـرمایه‌گذاران باشـد. به گفتـه محمدی، در دو سـال گذشـته دورانی طلایی برای بازار سرمایه به‌لحاظ حجم و ارزش انتشـار اوراق بهادار در بازار بدهی وجود داشـته است. رئیس سازمان بورس در ادامه با اشـاره به لزوم مراقبت بیشـتر بر عملکرد صندوق‌های سـرمایه‌گذاری در بازار سرمایه، گفت: پس از تأکید دبیر کمیتـه فقهی مبنی بر لزوم رصد فعالیـت صندوق‌های سـرمایه‌گذاری بـه منظور جلوگیری از عدم مغایرت با مسـائل مختلف حوزه پولی و مالی قواعد بسیار مناسبی ایجاد شده است. به طوری که از ابتدای سـال ۹۵ حجم سـپرده‌های بانکی صندوق‌ها که بیشـتر ۹۰ درصد بود، به طور متوسط هم‌اکنون به ۷۰ درصد رسیده است؛ هرچند بخش‌نامـه سـازمان بورس بر سـقف ۵۰درصدی سپرده‌های بانکی تأکید دارد.

بازتاب

سردبیر محترم روزنامه شرق

با سلام،

احتراما پیرو درج خبری با عنوان «سرنوشـت صمـت از تولد تا واگـذاری» در صفحـه ۱۵ آن روزنامـه در مورخ ۹۶/۹/۱۲ خواهشـمند اسـت دسـتور فرمایید وفق قانون مطبوعـات موارد زیر اصلاح گردد.

۱- انتقال مالکیت روزنامه گسترش صنعت با توجه به کارشناسـی رسمی دادگستری به قیمت تعیین‌شده به مؤسسه مطبوعات گسترش صنعت، معدن و تجارت (صمت) انتقال یافته است.

۲- سـاختمان مربوط به روزنامه طبق قیمت کارشناسی رسمی به مدت سه سال اجاره مؤسسه مطبوعاتـی گسـترش صنعت، معـدن و تجارت (صمت) واگذار شده است.

خواهشـمند اسـت حسـب قانون مطبوعات مـوارد اشـتباه این گـزارش اصـلاح و در همان صفحه روزنامه به اطلاع خوانندگان رسانده شود.

سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران

نگاه

نرخ ارز و واقعیت اقتصادی تقاضای سفته‌بازی

علی پالار . کارشناس و تحلیلگر اقتصادی

● مهم‌ترین نکتـه نگران‌کننده دربـاره بحث ورود بانک مرکـزی به بـازار طلا با هـدف تخلیه حباب قیمتـی سـکه، وجود تقاضـای سـفته‌بازی بالا در اقتصاد ایران اسـت. می‌توان گفـت عطش بازار به سکه‌های بانک مرکزی، تنها به دلیل چشم‌اندازهای افزایشـی در قیمت‌های طلا و تلقی به‌عنوان یکی از بهترین فرصت‌ها برای کسب سود در آینده‌ای نزدیک بوده اسـت که منشـأ آن چیزی جز صرف تقاضای سفته‌بازی نیست. در اینکه وجود تقاضای سفته‌بازی در هر اقتصاد و بازاری واقعیتی ضروری است، شکی نیسـت؛ اما نگرانی در شـدت و حدت این تقاضا در اقتصاد ایران اسـت. در یک سیستم اقتصادی، وجود حدی از تقاضای سـفته‌بازی حتی می‌تواند با ایفای نقـش متعادل‌کننده به تضمین بقـا و پایداری بازار منجر شـود؛ مانند نقش پشه در یک اکوسیستم؛ اما متأسـفانه مختصات اقتصاد ایران به‌گونه‌ای نیست که جذابیـت لازم را برای جذب نقدینگی به بخش مولد داشته باشـد؛ ازاین‌رو، فعالیت‌های سفته‌بازی به‌ویـژه در بـازار ارز و طلا، همواره یکـی از بهترین جایگزین‌های پـول نقد در اقتصاد ایران اسـت. آن سـوی این قضیه برای حداقل‌سـازی فعالیت‌های سـفته‌بازی، افزایش بـازده در فعالیت‌هـای مولد اقتصـادی و کاهـش ریسـک‌های سیاسـی امری ضـروری خواهد بـود. از این جهت می‌تـوان تعبیر اسـتقبال فراوان از طرح فروش سـکه بانک مرکزی را این‌گونه دانست که حمله ملخ‌وار سفته‌بازان یکی از تهدیدات همیشـگی پایداری بـازار ارز و به‌تبع آن اقتصاد ایران است. در توضیح بیشتر این مطلب باید گفت برعکس گمان بعضی کارشناسـان که افزایش قیمت‌های سـکه در هفته‌های اخیر را بی‌پشتوانه و حبابی دانسته‌اند، با درنظرگرفتن ثبات نسبی در بازار ارز در شـش‌ماهه ابتدایی سال، می‌توان دریافت که این افزایش‌های حباب‌وار در قیمت سکه را می‌توان نتیجه کوچ سـفته‌بازان از بازار ارز به بازار طلا تلقی کرد. در واقع به دلیل حسـاس و ریسـکی‌بودن نرخ دلار در اقتصاد ایران، متأثر از مباحثی مانند تضعیف ارزش پـول ملـی و تأثیرگـذاری آن روی انتظارات تورمی، سیاسـت‌گذار از پذیرش واقعی نرخ ارز سـر باز زده اسـت و به‌گونه‌ای که هـر وقت صحبت از تقویت ارزش پول ملی شـده است، نتیجه تغییرات کمتر ریال در مقابل دلار عملکرد مثبتی تلقی شـده است؛ درحالی‌که وسیله رسیدن به این هدف نیز باید در بررسی عملکرد اقتصادی مرکز توجه قرار گیرد.

در همین حال بانک مرکزی در مقام بازارسـازی بـازار ارز، دنبال حـذف عوامل افزایشـی قیمت ارز ماننـد تقاضای سـفته‌بازی از بازار بوده اسـت. در نتیجه حباب قیمتـی به‌وجودآمده در قیمت طلا به دلیل سیاسـت‌های کنترلی دولت در بـازار ارز برای مهار تقاضای سـفته‌بازی و ناامیدی سـفته‌بازان از این بازار بوده اسـت که موجب شـده تا سفته‌بازان انگیزه‌های سـفته‌بازی خـود را در بـازار طلا ارضا کنند. بـرای ماه‌های آتی به‌ویـژه ماه‌های منتهی به پایان سال میلادی که تقاضای تجاری ارز به بیشترین مقدار خود در سـال می‌رسـد، ادامه عرضه سکه از سوی بانک مرکزی و سرکوب این انگیزه در بازار طلا، ممکن اسـت موجب رهاشدن انگیزه‌های جمع‌شده سفته‌بازی در بازار ارز و انتقال فشارهای تجمیعی به بازار ارز شود و از این نظر انتظار افزایش نوسان‌های قیمتـی در بـازار ارز دور از انتظـار نخواهد بود. اگر این عوامـل را در کنار درنظرگرفتـن عوامل افزایش ریسک‌های سیاسـی در ماه‌های آتی (مانند رسیدن مـاه دسـامبر و موعـد تصمیم‌گیری کنگـره درباره برجام، افزایش تنش‌های سیاسی منطقه‌ای و اتمام مهلت داده‌شـده FATF به ایـران در اوایل بهمن) قرار دهیم، هیجانی‌شـدن بازار ارز در مقطعی کوتاه بعید نخواهد نبود.

مدیران محترم

عمان ژاپن کره‌جنوبی

برگزاری تورهای هدفمند، بازدید از کارخانجات و صنایع
شـرکت در نمایشگاه‌ها و کنفرانس‌ها
برگزاری تورهای علمی، فرهنگی و اقتصادی
ملاقات بـا مدیران شرکت‌ها
انجام امـور مرتبط و تسهیلات جهت عقد قراردادها

از اهداف و توانمندی‌های مجموعه فطرس جهت کمک به کسب و کار شماست.

فطرس
دفتر خدمات مسافرت هوایی و جهانگردی

• صدور بلیط‌های داخلی و خارجی • رزرواسیون هتل • میزبانی از مهمانان خارجی شما و اخذ ویزای ایران

FOTROS.TRAVEL
آژانس هواپیمایی فطرس برگزار کننده تورهای تخصصی، نمایشگاهی، صنعتی، پزشکی، اقتصادی و فرهنگی

اخذ ویزای عمان ، ژاپن و کره‌جنوبی

حضور مشاوران ما در مجموعه شما ، در هر نقطه‌ای از ایران

۸۸۸ ۹۹ ۱۱۱